

استاندارد حسابداری ۳۷

ابزارهای، مال، افشا



فهرست مندرجات

بند

۱	هدف
۲ - ۴	دامنه کاربرد
۵ - ۱۹	اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی
۶ - ۱۶	صورت وضعیت مالی
۶	طبقات داراییهای مالی و بدهیهای مالی
۷ - ۱۲	تفاوت داراییهای مالی و بدهیهای مالی
۱۳	وثیقه
۱۴	کاهش ارزش بابت زیانهای اعتباری
۱۵ - ۱۶	نکول و نقض
۱۷ - ۱۹	سایر موارد افشا
۱۷ - ۱۹	ارزش منصفانه
۲۰ - ۳۲	ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی
۲۳	افشاهای کیفی
۲۴ - ۳۲	افشاهای کمی
۲۶ - ۲۸	ریسک اعتباری
۲۹	ریسک نقدینگی
۳۰ - ۳۲	ریسک بازار
۳۳ - ۴۰	انتقال داراییهای مالی
۳۶	داراییهای مالی انتقال یافته ای که بطور کامل قطع شناخت نشده اند
۳۷ - ۳۹	داراییهای مالی انتقال یافته ای که بطور کامل قطع شناخت شده اند
۴۰	اطلاعات تکمیلی
۴۱	تاریخ اجرا
۴۲	مطابقت با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی

پیوستها

پیوست الف: اصطلاحات تعریف شده

پیوست ب: رهنمود بکارگیری

هدف

۱. هدف این استاندارد، الزام واحدهای تجاری به افشای اطلاعاتی در صورتهای مالی است تا استفاده کنندگان بتوانند موارد زیر را ارزیابی کنند:
 - الف. اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی واحد تجاری؛ و
 - ب. ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، که واحد تجاری طی دوره و در پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار دارد و نحوه مدیریت این ریسکها توسط واحد تجاری.

دامنه کاربرد

۲. این استاندارد باید توسط تمام واحدهای تجاری، برای انواع ابزارهای مالی به جز موارد زیر بکار گرفته شود:
 - الف. منافع در واحدهای تجاری فرعی، واحدهای تجاری وابسته یا مشارکتهای خاص که حسابداری آنها طبق استاندارد حسابداری ۳۹ صورتهای مالی تلفیقی و استاندارد حسابداری ۲۰ سرمایه گذاری در واحدهای تجاری وابسته و مشارکتهای خاص انجام می گیرد.
 - ب. حقوق و تعهدات کارفرمایان در طرحهای مزایای کارکنان، که استاندارد حسابداری ۳۳ مزایای بازنشستگی کارکنان برای آنها کاربرد دارد.
 - پ. قراردادهای بیمه صادرشده توسط بیمه گر طبق تعریف استاندارد حسابداری ۲۸ فعالیتهای بیمه عمومی.
 - ت. ابزارهایی که طبق بندهای ۱۲ و ۱۳ یا ۱۴ و ۱۵ استاندارد حسابداری ۳۶ ابزارهای مالی: ارائه، باید به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه بندی شوند.
۳. این استاندارد برای ابزارهای مالی شناسایی شده و شناسایی نشده کاربرد دارد. ابزارهای مالی شناسایی شده، شامل داراییهای مالی و بدهیهای مالی مانند سرمایه گذاریها، دریافتیها، پرداختیها و وامهای دریافتی یا پرداختی است که در صورت وضعیت مالی منعکس شده است. ابزارهای مالی شناسایی نشده، شامل برخی ابزارهای مالی است که اگرچه در صورت وضعیت مالی منعکس نشده است، اما در دامنه کاربرد این استاندارد قرار می گیرند (مانند برخی تعهدات وام).
۴. این استاندارد، در مورد قراردادهای خرید یا فروش اقلام غیرمالی که به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر، یا از طریق مبادله ابزارهای مالی قابل تسویه است، کاربرد دارد.

اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی

۵. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که استفاده کنندگان صورتهای مالی بتوانند اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی واحد تجاری را ارزیابی کنند.

صورت وضعیت مالی**طبقات داراییهای مالی و بدهیهای مالی**

۶. مبالغ دفتری هر یک از طبقات زیر، باید در صورت وضعیت مالی یا در یادداشتهای توضیحی افشا شود:
 - الف. سرمایه گذاریها؛
 - ب. وامها و دریافتیها؛
 - پ. سایر داراییهای مالی؛ و
 - ت. بدهیهای مالی

تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی

موارد افشای مندرج در بندهای ۸ تا ۱۱، سایر الزامات افشای این استاندارد را تکمیل می کند و برای تمام ابزارهای مالی شناسایی شده که طبق بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ تهاتر می شوند، الزامی است. همچنین، این موارد افشا برای ابزارهای مالی شناسایی شده ای که مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال یا توافقی مشابه می شوند، صرف نظر از اینکه طبق بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ تهاتر شده باشند یا خیر، کاربرد دارد.

۸. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که برای استفاده کنندگان صورتهای مالی، امکان ارزیابی تأثیر بالفعل یا بالقوه توافقههای خالص سازی بر وضعیت مالی واحد تجاری را فراهم نماید. این افشا شامل تأثیر بالفعل یا بالقوه حق تهاتر مرتبط با داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده واحد تجاری است که در دامنه کاربرد بند ۷ قرار می گیرند.
۹. برای دستیابی به هدف مندرج در بند ۸، واحد تجاری باید در پایان دوره گزارشگری، اطلاعات کمی زیر را برای داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده ای که در دامنه کاربرد بند ۷ قرار می گیرند، به تفکیک افشا کند:
- الف. مبالغ ناخالص داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده؛
- ب. مبالغی که طبق معیارهای مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶، هنگام تعیین مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعیت مالی، تهاتر شده اند؛
- پ. مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعیت مالی؛
- ت. مبالغ مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال یا توافقی مشابه، که به طریقی دیگر، مشمول بند ۹ (ب) نمی شوند، شامل:
۱. مبالغ مربوط به ابزارهای مالی شناسایی شده ای که تمام یا برخی معیارهای تهاتر مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز نمی کنند؛ و
 ۲. مبالغ مربوط به وثیقه مالی (شامل وثیقه نقدی)؛ و
 - ث. یک مبلغ خالص پس از کسر مبالغ مندرج در قسمت (ت) از مبالغ مندرج در قسمت (پ) اشاره شده در بالا.
- اطلاعات الزامی طبق این بند باید به شکل جدول، بطور جداگانه برای داراییهای مالی و بدهیهای مالی ارائه شود؛ مگر اینکه شکل دیگری مناسب تر باشد.
۱۰. کل مبلغ افشا شده طبق بند ۹ (ت) برای یک ابزار مالی، باید محدود به مبلغ مندرج در بند ۹ (پ) برای آن ابزار مالی باشد.
۱۱. واحد تجاری باید به همراه افشای حقوق تهاتر مربوط به داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال و توافقههای مشابه که طبق بند ۹ (ت) افشا شده اند، توضیحی شامل ماهیت این حقوق، ارائه نماید.
۱۲. در صورت نیاز به افشای اطلاعات الزامی طبق بندهای ۸ تا ۱۱ در بیش از یک یادداشت توضیحی، واحد تجاری باید بین یادداشتها، عطف متقابل برقرار کند.

وثیقه

۱۳. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

- الف. مبلغ دفتری داراییهای مالی که به عنوان وثیقه بدهیها یا بدهیهای احتمالی در رهن قرار گرفته است؛ و
- ب. مفاد و شرایط مربوط به وثیقه گذاری.

کاهش ارزش بابت زیانهای اعتباری

۱۴. زمانی که داراییهای مالی به دلیل زیانهای اعتباری، کاهش ارزش می یابند و واحد تجاری کاهش ارزش را به جای کاهش مستقیم مبلغ دفتری دارایی، در حساب جداگانه ای ثبت می کند (برای مثال، از حساب ذخیره کاهش ارزش برای ثبت کاهش ارزش تک تک داراییها و یا از حساب مشابهی برای کاهش ارزش مجموعه ای از داراییها استفاده می کند)، باید صورت تطبیق تغییرات آن حساب طی دوره را برای هر طبقه از داراییهای مالی افشا کند.

نکول و نقض

۱۵. واحد تجاری باید در مورد وامهای پرداختنی شناسایی شده در پایان دوره گزارشگری، موارد زیر را افشا کند:
- الف. جزئیات هرگونه نکول اصل و سود و همچنین، شرایط بازخرید وامهای پرداختنی مزبور طی دوره؛
- ب. مبلغ دفتری وامهای پرداختنی نکول شده در پایان دوره گزارشگری؛ و
- پ. اینکه پیش از تأیید صورتهای مالی برای انتشار، نکول رفع شده است یا درباره شرایط وامهای پرداختنی مذاکره مجدد صورت گرفته است.

۱۶. اگر به غیر از موارد مطرح شده در بند ۱۵، شرایط مربوط به موافقت نامه وام، طی دوره نقض شود، در صورتی که موارد نقض شده به وام دهنده اجازه دهد بازپرداخت سریع تر را درخواست نماید، واحد تجاری باید اطلاعات الزامی طبق بند ۱۵ را افشا کند (مگر اینکه در پایان دوره گزارشگری یا پیش از آن، موارد نقض شده رفع، یا درباره شرایط وام، مذاکره مجدد صورت گرفته باشد).

سایر موارد افشا

ارزش منصفانه

۱۷. به استثنای موارد الزامی طبق بند ۱۸، واحد تجاری باید ارزش منصفانه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را به گونه ای افشا کند که امکان مقایسه با مبلغ دفتری آنها فراهم شود.

۱۸. افشای ارزش منصفانه در موارد زیر الزامی نیست:

الف. زمانی که مبلغ دفتری ابزارهای مالی مانند دریافتی ها و پرداختی های تجاری کوتاه مدت، تقریب معقولی از ارزش منصفانه آنها باشد؛

ب. سرمایه گذاری در ابزارهای مالکانه ای که دارای قیمت اعلام شده برای دارایی یا بدهی یکسان در بازاری فعال نیستند یا ابزارهای مشتقه وابسته به این گونه ابزارهای مالکانه که به دلیل عدم امکان تعیین ارزش منصفانه آنها به گونه ای قابل اتکا، به بهای تمام شده اندازه گیری شده اند؛ یا

پ. قراردادی که دارای ویژگی مشارکت اختیاری است، مشروط بر اینکه امکان تعیین ارزش منصفانه آن ویژگی به گونه ای قابل اتکا، وجود نداشته نباشد.

۱۹. درخصوص موارد مطرح شده در بند ۱۸ (ب) و (پ)، واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که به استفاده کنندگان صورتهای مالی، برای اعمال قضاوت درباره میزان تفاوت های احتمالی بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه آن داراییهای مالی یا بدهیهای مالی کمک نماید؛ این اطلاعات شامل موارد زیر است:

الف. این موضوع که اطلاعات ارزش منصفانه ابزارهای مزبور، به این دلیل که امکان تعیین ارزش منصفانه آنها به گونه ای قابل اتکا قابل وجود نداشته، افشا نشده است؛

ب. شرحی از ابزارهای مالی، مبلغ دفتری آنها، و توضیحی درباره اینکه به چه دلیل امکان تعیین ارزش منصفانه به گونه ای قابل اتکا وجود نداشته است؛

پ. اطلاعات درباره بازار ابزارهای مورد نظر؛

ت. اطلاعات درباره اینکه واحد تجاری قصد واگذاری ابزارهای مالی را دارد یا خیر و چگونگی انجام این کار؛ و

ث. موضوع قطع شناخت ابزارهای مالی که امکان تعیین ارزش منصفانه آنها در گذشته، به گونه ای قابل اتکا وجود نداشته است، مبلغ دفتری آنها در زمان قطع شناخت، و مبلغ سود یا زیان شناسایی شده.

ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی

۲۰. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که به استفاده کنندگان صورتهای مالی در ارزیابی ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی که واحد تجاری در پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار می گیرد، کمک نماید.

۲۱. افشاهای الزامی طبق بندهای ۲۳ تا ۳۲، بر ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی و نحوه مدیریت آنها تمرکز می کند. این ریسکها، بطور معمول، شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار است، اما محدود به این موارد نمی شود.

فراهم آوردن موارد افشای کیفی به همراه افشاهای کمی، به استفاده کنندگان امکان برقراری ارتباط بین افشاهای مرتبط را می دهد و در نتیجه، تصویری کلی از ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی ارائه می کند. تعامل بین افشاهای کیفی و کمی، به افشای اطلاعات کمک می کند و استفاده کنندگان بهتر می توانند آسیب پذیری از ریسکها را ارزیابی کنند.

افشاهای کیفی

۲۳. واحد تجاری باید برای هر یک از انواع ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، موارد زیر را افشا کند:
- الف. آسیب پذیری از ریسکها و نحوه ایجاد آنها؛
 - ب. اهداف، رویه ها و فرایندهای مدیریت ریسک و روشهای مورد استفاده برای اندازه گیری ریسک؛ و
 - پ. هرگونه تغییر در قسمتهای (الف) یا (ب) نسبت به دوره قبل.

افشاهای کمی

۲۴. واحد تجاری باید برای هر یک از انواع ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی، موارد زیر را افشا کند:
- الف. خلاصه ای از اطلاعات کمی درباره آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک مورد نظر در پایان دوره گزارشگری. این افشا باید مبتنی بر اطلاعات درون سازمانی تهیه شده برای مدیران اصلی واحد تجاری (طبق تعریف مندرج در استاندارد حسابداری ۱۲ افشای اطلاعات اشخاص وابسته)، برای مثال هیئت مدیره یا مدیر عامل واحد تجاری، باشد.
 - ب. افشاهای الزامی طبق بندهای ۲۶ تا ۳۲، به میزانی که طبق قسمت (الف) ارائه نشده باشد.
 - پ. تمرکز ریسک، در صورتی که بر اساس افشاهای ارائه شده طبق قسمتهای (الف) و (ب) بالا، مشخص نباشد.
۲۵. چنانچه اطلاعات کمی افشا شده در پایان دوره گزارشگری، معرف آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک طی دوره نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بیشتری ارائه کند که معرف این موضوع باشد.

ریسک اعتباری

۲۶. واحد تجاری باید موارد زیر را بر مبنای طبقات ابزارهای مالی افشا کند:
- الف. مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر میزان آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری در پایان دوره گزارشگری را بدون در نظر گرفتن هرگونه وثیقه نگهداری شده یا سایر روشهای افزایش اعتبار، نشان دهد (برای مثال توافقهایی خالص سازی که واجد شرایط تهاثر طبق استاندارد حسابداری ۳۶ نمی باشند). این افشا برای ابزارهای مالی که مبلغ دفتری آنها به بهترین شکل حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری را نشان می دهد، الزامی نیست.
 - ب. شرحی از وثیقه نگهداری شده به عنوان تضمین و سایر روشهای افزایش اعتبار و اثر مالی آنها (برای مثال، بیان عددی میزان کاهش ریسک اعتباری به واسطه وثیقه و سایر روشهای افزایش اعتبار) در ارتباط با مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری را نشان می دهد (صرف نظر از اینکه طبق قسمت (الف) بالا یا از طریق مبلغ دفتری ابزار مالی، افشا شده باشد).

پ. اطلاعات درباره کیفیت اعتباری داراییهای مالی که نه از تاریخ سررسید آنها گذشته است و نه کاهش ارزش یافته اند.

داراییهای مالی که یا از تاریخ سررسید آنها گذشته است یا کاهش ارزش یافته اند

۲۷. واحد تجاری باید موارد زیر را بر مبنای طبقات داراییهای مالی افشا کند:
- الف. تجزیه و تحلیل سنی داراییهای مالی که در پایان دوره گزارشگری از تاریخ سررسید آنها گذشته است، اما کاهش ارزش نیافته اند؛ و
 - ب. تجزیه و تحلیل داراییهای مالی که در پایان دوره گزارشگری، به صورت انفرادی به عنوان داراییهای کاهش ارزش یافته تعیین شده اند، به همراه عواملی که واحد تجاری در تعیین کاهش ارزش آنها در نظر گرفته است.

کسب وثیقه و سایر روشهای افزایش اعتبار

۲۸. زمانی که واحد تجاری، طی دوره، داراییهای مالی یا غیر مالی را از طریق تملک وثیقه نگهداری شده به عنوان تضمین یا استفاده از سایر روشهای افزایش اعتبار (مثل تضمینها) به دست آورد و چنین داراییهایی معیارهای شناخت مندرج در سایر استانداردها را احراز کنند، واحد تجاری باید در تاریخ گزارشگری، موارد زیر را در مورد داراییهای نگهداری شده مزبور افشا کند:
- الف. ماهیت و مبلغ دفتری داراییها؛ و

ب. در صورتی که داراییها از نقدشوندگی بالایی برخوردار نباشند، خط مشی واحد تجاری برای واگذاری این داراییها یا استفاده از آنها در عملیات واحد تجاری.

ریسک نقدینگی

۲۹. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

- الف. تجزیه سررسید بدهیهای مالی (شامل قراردادهای تضمین مالی صادرشده) که سررسیدهای قراردادی باقیمانده را نشان دهد.
ب. تشریح نحوه مدیریت ریسک نقدینگی مندرج در قسمت (الف) بالا.

ریسک بازار**تحلیل حساسیت**

۳۰. به جز مواردی که طبق بند ۳۱ عمل می‌شود، واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. تحلیل حساسیت برای هر یک از انواع ریسکهای بازار که واحد تجاری در پایان دوره گزارشگری در معرض آن قرار می‌گیرد. این تحلیل حساسیت بیانگر نحوه تأثیرپذیری سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه از تغییر در متغیر ریسک مربوط، که در آن تاریخ بطور معقول محتمل است، می‌باشد؛

- ب. روشها و مفروضات مورد استفاده در آماده‌سازی تحلیل حساسیت؛ و
پ. تغییر در روشها و مفروضات مورد استفاده نسبت به دوره قبل و دلایل این تغییرات.

۳۱. در صورتی که واحد تجاری از نوعی تحلیل حساسیت، مانند ارزش در معرض ریسک، استفاده کند که بیانگر وابستگی متقابل متغیرهای ریسک (مانند نرخهای سود و نرخهای مبادله ارز) باشد و از آن برای مدیریت ریسکهای مالی استفاده نماید، واحد تجاری می‌تواند از این تحلیل حساسیت، به جای تحلیل مورد نظر بند ۳۰ استفاده کند. واحد تجاری باید موارد زیر را نیز افشا نماید:

- الف. توضیح درباره روش مورد استفاده در انجام این تحلیل حساسیت و پارامترها و مفروضات عمده مبنای اطلاعات ارائه‌شده؛ و
ب. توضیح هدف روش مورد استفاده، و محدودیتهایی که ممکن است موجب شود اطلاعات، ارزش منصفانه داراییها و بدهیها را بطور کامل منعکس نکند.

سایر افشاهای مربوط به ریسک بازار

۳۲. در صورتی که تحلیل حساسیت افشا شده طبق بندهای ۳۰ یا ۳۱، معرف ریسک ابزار مالی نباشد (برای مثال، به دلیل اینکه آسیب‌پذیری از ریسک پایان سال، بازتابی از آسیب‌پذیری از ریسک طی سال نیست)، واحد تجاری باید این موضوع و دلیل اینکه چرا معتقد است تحلیل حساسیت بیانگر این ریسک نمی‌باشد را افشا کند.

انتقال داراییهای مالی

۳۳. الزامات افشای مندرج در بندهای ۳۴ تا ۴۰ در مورد انتقال داراییهای مالی، سایر الزامات افشای این استاندارد را تکمیل می‌کند. واحد تجاری باید افشاهای الزامی طبق بندهای مزبور را در یادداشتی مجزا، در صورتهای مالی خود ارائه نماید. واحد تجاری باید برای تمام داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که قطع شناخت نشده‌اند و بابت هرگونه مشارکت مستمر در دارایی انتقال‌یافته که، صرف نظر از زمان وقوع معامله انتقال مربوط، در تاریخ گزارشگری موجود است، افشاهای الزامی را ارائه کند. به منظور بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای اشاره‌شده بالا، واحد تجاری تنها در صورتی تمام یا بخشی از دارایی مالی را انتقال داده است (دارایی مالی انتقال‌یافته) که یا:

- الف. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی آن دارایی مالی را انتقال داده باشد؛ یا
ب. حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی آن دارایی مالی را حفظ کرده باشد، اما طبق توافق، متعهد به پرداخت همان جریانهای نقدی به یک یا چند دریافت‌کننده طبق یک توافق باشد.

۳۴. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، موارد زیر را امکانپذیر سازد:

- الف. درک رابطه بین داراییهای مالی انتقال‌یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت نشده‌اند و بدهیهای مربوط؛ و
ب. ارزیابی ماهیت، و ریسکهای مربوط به مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت‌شده.

۳۵. برای مقاصد بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای ۳۷ تا ۴۰، واحد تجاری در صورتی در دارایی مالی انتقال‌یافته مشارکت مستمر دارد که به عنوان بخشی از آن انتقال، تمام حقوق قراردادی یا تعهدات مرتبط با دارایی مالی انتقال‌یافته را حفظ یا هرگونه

حقوق یا تعهدات قراردادی جدید مرتبط با دارایی مالی انتقال یافته را به دست آورده باشد. برای مقاصد بکارگیری الزامات افشای مندرج در بندهای مزبور، موارد زیر مشارکت مستمر محسوب نمی شود:

الف. اقرارنامه ها و ضمانت نامه های معمول مرتبط با انتقال متقلبان و مفاهیم معقول بودن، معاملات صادقانه و منصفانه که می تواند انتقال را در نتیجه اقدام قانونی، ابطال کند؛

ب. پیمانهای آتی، اختیارهای معامله و سایر قراردادهای تحصیل مجدد دارایی مالی انتقال یافته که قیمت قرارداد (یا قیمت اعمال) آنها، برابر با ارزش منصفانه دارایی مالی انتقال یافته است؛ یا

پ. توافقی که به موجب آن، واحد تجاری حقوق قراردادی نسبت به دریافت جریانهای نقدی دارایی مالی را حفظ کرده است، اما برای پرداخت همان جریانهای نقدی به اشخاص ثالث، تعهد قراردادی تقبل کرده و هر سه شرط زیر احراز شده است:

۱. واحد تجاری هیچ تعهدی برای پرداخت مبالغی به دریافت کنندگان نهایی نداشته باشد مگر اینکه مبالغ معادل را

از دارایی اصلی وصول نماید. پیش پرداختهای کوتاه مدت توسط واحد تجاری با حق بازپشت کامل مبالغ وام اعطایی به اضافه سود تحقق یافته به نرخهای بازار، این شرط را نقض نمی کند.

۲. واحد تجاری طبق شرایط قرارداد انتقال، از فروش یا وثیقه گذاشتن دارایی اصلی، مگر به عنوان تضمین نزد دریافت کنندگان نهایی بابت تعهد پرداخت جریانهای نقدی به آنها، منع شده باشد.

۳. واحد تجاری متعهد باشد هرگونه جریانهای نقدی وصولی به نمایندگی از دریافت کنندگان نهایی را بدون

تأخیر بااهمیت ارسال نماید. افزون بر این، واحد تجاری، به استثنای سرمایه گذاری در نقد یا معادلهای نقد

(طبق تعریف استاندارد حسابداری ۲ صورت جریانهای نقدی) طی دوره کوتاه تسویه از تاریخ وصول تا تاریخ

مقرر برای ارسال به دریافت کنندگان نهایی، حق سرمایه گذاری مجدد این جریانهای نقدی را نداشته باشد و

سود کسب شده چنین سرمایه گذاریهایی به دریافت کنندگان نهایی انتقال داده شود.

داراییهای مالی انتقال یافته ای که بطور کامل قطع شناخت نشده اند

۳۶. واحد تجاری ممکن است داراییهای مالی را به گونه ای انتقال دهد که تمام داراییهای مالی انتقال یافته یا بخشی از آنها، واجد

شرایط قطع شناخت نشود. برای دستیابی به اهداف تعیین شده در بند ۳۴ (الف)، واحد تجاری باید در هر تاریخ گزارشگری، برای

هر یک از طبقات داراییهای مالی انتقال یافته ای که بطور کامل قطع شناخت نشده اند، موارد زیر را افشا کند:

الف. ماهیت داراییهای انتقال یافته.

ب. ماهیت ریسکها و مزایای مالکیت که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد.

پ. تشریح ماهیت رابطه بین داراییهای انتقال یافته و بدهیهای مربوط، شامل محدودیتهای استفاده از داراییهای انتقال یافته توسط واحد گزارشگر، در نتیجه انتقال.

ت. در صورتی که طرف (های) بدهیهای مربوط، تنها نسبت به داراییهای انتقال یافته حق رجوع داشته باشد (باشند)، جدولی

که ارزش منصفانه داراییهای انتقال یافته، ارزش منصفانه بدهیهای مربوط و وضعیت خالص (تفاوت بین ارزش منصفانه

داراییهای انتقال یافته و بدهیهای مربوط) را مشخص می کند.

ث. در صورتی که واحد تجاری به شناسایی تمام داراییهای انتقال یافته ادامه دهد، مبلغ دفتری داراییهای انتقال یافته و بدهیهای مربوط.

ج. در صورتی که واحد تجاری به میزان مشارکت مستمر خود، به شناسایی داراییها ادامه دهد، کل مبلغ دفتری داراییهای اصلی

پیش از انتقال، مبلغ دفتری داراییهایی که واحد تجاری به شناسایی آنها ادامه می دهد، و مبلغ دفتری بدهیهای مربوط.

داراییهای مالی انتقال یافته ای که بطور کامل قطع شناخت شده اند

۳۷. برای دستیابی به اهداف تعیین شده در بند ۳۴ (ب)، در صورتی که واحد تجاری داراییهای مالی انتقال یافته را بطور کامل قطع

شناخت کرده باشد، اما در آنها مشارکت مستمر داشته باشد، واحد تجاری باید برای هر نوع مشارکت مستمر در هر تاریخ

گزارشگری، حداقل موارد زیر را افشا کند:

الف. مبلغ دفتری داراییها و بدهیهایی که در صورت وضعیت مالی واحد تجاری شناسایی شده است و نشان دهنده مشارکت

مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت شده می باشد و اقلام اصلی که مبلغ دفتری آن داراییها و بدهیها، در

آن اقلام شناسایی می شود.

- ب. ارزش منصفانه داراییها و بدهیهایی که نشان‌دهنده مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت شده است.
- پ. مبلغی که به بهترین شکل، حداکثر میزان آسیب‌پذیری واحد تجاری از زیان ناشی از مشارکت مستمر در داراییهای مالی قطع شناخت شده را نشان می‌دهد و اطلاعاتی که نحوه تعیین حداکثر میزان آسیب‌پذیری از زیان را مشخص می‌کند.
- ت. جریانهای نقدی خروجی تنزیل نشده که برای بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت شده لازم است یا ممکن است لازم شود (برای مثال، قیمت اعمال در قرارداد اختیار معامله)، یا مبالغ دیگری که در ارتباط با داراییهای انتقال یافته، قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده است. در صورتی که جریانهای نقدی خروجی متغیر باشد، مبلغ افشا شده باید بر مبنای شرایط موجود در هر تاریخ گزارشگری باشد.
- ث. تجزیه سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل نشده که برای بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت شده، لازم است یا ممکن است لازم شود، یا مبالغ دیگری که در ارتباط با داراییهای انتقال یافته، قابل پرداخت به انتقال‌گیرنده است. این مورد افشا نشان‌دهنده سررسیدهای قراردادی باقیمانده مشارکت مستمر واحد تجاری است.
- ج. اطلاعات کیفی برای توصیف و پشتیبانی افشاهای کمی الزامی طبق قسمتهای (الف) تا (ث).
۳۸. در صورتی که واحد تجاری بیش از یک نوع مشارکت مستمر در دارایی مالی قطع شناخت شده داشته باشد، ممکن است اطلاعات الزامی طبق بند ۳۷ را در ارتباط با یک دارایی خاص تجمیع کند و آن را به عنوان یک نوع مشارکت مستمر گزارش نماید.
۳۹. افزون بر این، واحد تجاری باید برای هر نوع مشارکت مستمر، موارد زیر را افشا کند:
- الف. سود یا زیان شناسایی شده در تاریخ انتقال داراییها.
- ب. درآمدها و هزینه‌های شناسایی شده ناشی از مشارکت مستمر واحد تجاری در داراییهای مالی قطع شناخت شده (برای مثال، تغییر در ارزش منصفانه ابزارهای مشتقه)، هم در دوره گزارشگری و هم به صورت انباشته.
- پ. در صورتی که کل عواید حاصل از فعالیت انتقال (که واجد شرایط قطع شناخت است) در دوره گزارشگری، در طول دوره گزارشگری بطور یکنواخت توزیع نشده باشد (برای مثال، اگر بخش عمده‌ای از کل عواید حاصل از فعالیت انتقال در روزهای پایانی دوره گزارشگری واقع شود):
۱. زمان وقوع بزرگترین فعالیت انتقال در آن دوره گزارشگری (برای مثال، پنج روز قبل از پایان دوره گزارشگری)،
 ۲. مبلغ شناسایی شده حاصل از فعالیت انتقال در آن بخش از دوره گزارشگری (برای مثال سودها یا زیانهای مربوط)، و
 ۳. کل مبلغ عواید حاصل از فعالیت انتقال در آن بخش از دوره گزارشگری.
- واحد تجاری باید این اطلاعات را برای هر دوره‌ای که صورت سود و زیان ارائه می‌شود، تهیه کند.

اطلاعات تکمیلی

۴۰. واحد تجاری باید هر گونه اطلاعات اضافی را که برای دستیابی به اهداف افشای مندرج در بند ۳۴ ضروری می‌داند، افشا کند.

تاریخ اجرا

۴۱. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست.

مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

۴۲. با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ ابزارهای مالی: افشا (ویرایش ۲۰۱۷)، به استثنای بندهای ۹ تا ۱۲ الف و ۲۰ تا ۲۴، رعایت می‌شود.

پیوست الف

اصطلاحات تعریف شده

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.

- ریسک اعتباری** ریسک اینکه یک طرف ابزار مالی، به دلیل عدم ایفای تعهد، موجب زیان مالی طرف دیگر شود.
- ریسک واحد پول** ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در نرخهای مبادله ارز.
- ریسک نرخ سود** ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در نرخهای سود.
- ریسک نقدینگی** ریسک اینکه واحد تجاری در ایفای تعهدات مربوط به بدهیهای مالی که از طریق تحویل نقد یا دارایی مالی دیگر تسویه می شود، دچار مشکل شود.
- وامهای پرداختنی** وامهای پرداختنی، بدهیهای مالی به غیر از پرداختنیهای تجاری کوتاه مدت در شرایط اعتباری عادی است.
- ریسک بازار** ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی به دلیل تغییر در قیمت های بازار. ریسک بازار از سه نوع ریسک تشکیل شده است: **ریسک واحد پول**، **ریسک نرخ سود** و **ریسک سایر قیمت ها**.
- ریسک سایر قیمت ها** ریسک نوسان ارزش منصفانه یا جریانهای نقدی آتی یک ابزار مالی، به دلیل تغییر در قیمت های بازار (به غیر از تغییرات ناشی از **ریسک نرخ سود** یا **ریسک واحد پول**)، صرف نظر از اینکه آن تغییرات در اثر عوامل خاص آن ابزار مالی یا ناشر آن، یا عوامل تأثیرگذار بر تمام ابزارهای مالی مشابه معامله شده در بازار ایجاد شود.
- سررسید گذشته** دارایی مالی در صورتی سررسید گذشته محسوب می شود که طرف مقابل در تاریخ سررسید قرارداد، از پرداخت آن خودداری کرده باشد.

اصطلاحات زیر، در بند ۷ استاندارد حسابداری ۳۶ تعریف شده و با معانی مشخص شده در استاندارد حسابداری ۳۶ بکار رفته است.

- ابزار مالکانه
- ارزش منصفانه
- دارایی مالی
- ابزار مالی
- بدهی مالی

پیوست ب

رهنمود بکارگیری

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد است.

ماهیت و میزان ریسکهای ناشی از ابزارهای مالی (بندهای ۲۰ تا ۳۲)

ب ۱. افشاهای الزامی طبق بندهای ۲۰ تا ۳۲، باید در صورتهای مالی یا از طریق عطف متقابل از صورتهای مالی به سایر گزارشها، مانند گزارش فعالیت هیئت مدیره یا گزارش ریسک که با همان شرایط صورتهای مالی و در همان تاریخ در دسترس استفاده کنندگان صورتهای مالی قرار می گیرد، ارائه شود. بدون اطلاعات ارائه شده با عطف متقابل، صورتهای مالی کامل نیست.

افشاهای کمی (بند ۲۴)

ب ۲. بند ۲۴(الف)، افشای خلاصه داده های کمی درباره آسیب پذیری واحد تجاری از ریسکها بر مبنای اطلاعات درون سازمانی ارائه شده به مدیران اصلی واحد تجاری را الزامی می کند. هرگاه واحد تجاری برای مدیریت آسیب پذیری از ریسک، چندین روش را مورد استفاده قرار دهد، باید اطلاعات را با استفاده از روش یا روشهایی افشا کند که مربوط ترین و قابل اتکاترین اطلاعات را فراهم می کند. استاندارد حسابداری ۳۴ رویه های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات درخصوص مربوط بودن و قابل اتکا بودن بحث می کند.

ب ۳. بند ۲۴(پ)، افشا درباره تمرکز ریسک را الزامی می کند. تمرکز ریسک، ناشی از ابزارهای مالی است که ویژگیهای مشابه دارند و بطور مشابهی تحت تأثیر تغییر در شرایط اقتصادی یا سایر شرایط قرار می گیرند. تشخیص تمرکز ریسک، مستلزم قضاوت با در نظر گرفتن شرایط واحد تجاری است. افشای تمرکز ریسک باید شامل موارد زیر باشد:

الف. تشریح نحوه تعیین تمرکز ریسک توسط مدیریت؛

ب. تشریح ویژگیهای مشترکی که هر تمرکز ریسک را مشخص می کند (مانند طرف مقابل، حوزه جغرافیایی، واحد پول، یا بازار)؛ و

پ. میزان آسیب پذیری از ریسک مرتبط با تمام ابزارهای مالی دارای آن ویژگی مشترک.

حداکثر آسیب پذیری از ریسک اعتباری (بند ۲۶(الف))

ب ۴. بند ۲۶(الف)، افشای مبلغی که به بهترین شکل، بیانگر حداکثر میزان آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری است را الزامی می کند. این مبلغ برای یک دارایی مالی، عموماً برابر با مبلغ دفتری ناخالص، پس از کسر موارد زیر است:

الف. تمام مبالغ تهاتر شده طبق استاندارد حسابداری ۳۶؛ و

ب. هرگونه زیان کاهش ارزش شناسایی شده.

ب ۵. فعالیتهایی که منجر به ریسک اعتباری می شود و حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری مربوط، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نمی شود:

الف. اعطای وام به مشتریان و سپرده گذاری نزد سایر واحدهای تجاری. در این موارد، حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری، معادل مبلغ دفتری داراییهای مالی مربوط است.

ب. انعقاد قراردادهای مشتقه، مانند قراردادهای مبادله ارزی، سوابهای نرخ سود و ابزارهای مشتقه اعتباری. هرگاه دارایی ایجاد شده به ارزش منصفانه اندازه گیری شود، حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری در پایان دوره گزارشگری، برابر با مبلغ دفتری آن دارایی خواهد بود.

پ. اعطای تضمینهای مالی. در این مورد، حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری، بیشترین مبلغی است که اگر تضمین به اجرا گذاشته شود، ممکن است واحد تجاری مجبور به پرداخت آن شود. مبلغ مزبور ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از مبلغ شناسایی شده به عنوان بدهی باشد.

ت. اعطای تعهدات وام که در طول مدت وام غیرقابل فسخ است یا تنها در واکنش به تغییر نامطلوب بااهمیت، قابل فسخ می‌شود. اگر ناشر نتواند تعهدات وام را به صورت خالص از طریق نقد یا ابزار مالی دیگر تسویه کند، حداکثر میزان آسیب پذیری از ریسک اعتباری برابر با مبلغ کامل تعهد است، زیرا تعهدات وام استفاده نشده که ممکن است در آینده مورد استفاده قرار گیرد، مشخص نیست. این مبلغ ممکن است به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از مبلغ شناسایی شده به عنوان بدهی باشد.

افشاهای کمی ریسک نقدینگی (بندهای ۲۴(الف) و ۲۹(الف))

ب۶. طبق بند ۲۴(الف)، واحد تجاری خلاصه داده‌های کمی درباره آسیب پذیری از ریسک نقدینگی را بر مبنای اطلاعات درون سازمانی ارائه شده به مدیران اصلی افشا می‌کند. واحد تجاری باید نحوه تعیین این داده‌ها را توضیح دهد. در صورتی که جریانهای نقدی خروجی (یا دارایی مالی دیگر) منظور شده در آن داده‌ها:

الف. بسیار زودتر از انعکاس در آن داده‌ها، واقع شده باشد، یا

ب. مربوط به مبالغی بسیار متفاوت از مبالغ ارائه شده در آن داده‌ها باشد (برای مثال در مورد ابزار مشتقه‌ای که در داده‌های مربوط به تسویه به صورت خالص منظور شده است اما طرف مقابل، اختیار دارد تسویه ناخالص آن ابزار را الزامی نماید)، واحد تجاری باید این موضوع را بیان کند و اطلاعات کمی را ارائه نماید که ارزیابی میزان این ریسک را برای استفاده کنندگان صورتهای مالی فراهم کند، مگر اینکه این اطلاعات در تجزیه سررسید قراردادی طبق بند ۲۹(الف)، مد نظر قرار گرفته باشد.

ب۷. هنگام تجزیه سررسید طبق بند ۲۹(الف)، واحد تجاری برای تعیین تعداد بازه‌های زمانی مناسب، از قضاوت خود استفاده می‌کند. برای مثال، ممکن است از نظر واحد تجاری بازه‌های زمانی زیر مناسب باشد:

الف. کمتر از یک ماه؛

ب. بین یک ماه تا سه ماه؛

پ. بین سه ماه تا یک سال؛ و

ت. بین یک سال تا پنج سال.

ب۸. بند ۲۹(الف) واحد تجاری را ملزم می‌کند تجزیه سررسید بدهیهای مالی را که نشان‌دهنده سررسیدهای قراردادی باقیمانده برای برخی بدهیهای مالی است، افشا کند. در این افشا:

الف. هنگامی که طرف مقابل، حق تعیین زمان پرداخت را داشته باشد، بدهی به نزدیکترین دوره‌ای تخصیص می‌یابد که واحد تجاری ممکن است ملزم به پرداخت شود. برای مثال، بدهیهای مالی که واحد تجاری ممکن است با درخواست طرف مقابل ملزم به پرداخت آنها شود (مانند سپرده‌های دیداری)، در اولین بازه زمانی قرار می‌گیرند.

ب. هرگاه واحد تجاری متعهد به پرداخت مبالغ به صورت مرحله‌ای باشد، مبلغ هر مرحله به اولین دوره‌ای تخصیص می‌یابد که ممکن است واحد تجاری در آن دوره ملزم به پرداخت شود. برای مثال، تعهدات وام استفاده نشده، در بازه زمانی دربردارنده اولین تاریخی که ممکن است در آن تاریخ استفاده شود، قرار می‌گیرد.

پ. برای قراردادهای تضمین مالی صادر شده، حداکثر مبلغ تضمین به اولین دوره‌ای تخصیص می‌یابد که ممکن است در آن دوره تضمین به اجرا گذاشته شود.

ب۹. مبالغ قراردادی قابل افشا در تجزیه سررسید، که طبق بند ۲۹(الف) الزامی شده است، جریانهای نقدی قراردادی تنزیل نشده است، برای مثال:

الف. تعهدات ناخالص اجاره تأمین مالی (قبل از کسر هزینه‌های تأمین مالی)؛

ب. قیمت‌های تعیین شده در موافقت‌نامه‌های آتی برای خرید نقدی داراییهای مالی؛

- پ . مبالغ خالص برای "پرداخت شناور/دریافت ثابت" سوابهای نرخ سود که جریانهای نقدی خالص آنها مبادله می شود؛
- ت . مبالغ قراردادی قابل مبادله در یک ابزار مالی مشتقه (برای مثال سواب واحد پول) که با جریانهای نقدی ناخالص مبادله می شود؛ و
- ث . تعهدات ناخالص وام.

این جریانهای نقدی تنزیل نشده با مبالغی که در صورت وضعیت مالی ارائه می شوند، تفاوت دارند، زیرا مبالغ درج شده در آن صورت وضعیت مالی، بر مبنای جریانهای نقدی تنزیل شده است. زمانی که مبلغ قابل پرداخت ثابت نباشد، مبلغ قابل افشا، بر حسب شرایط موجود در پایان دوره گزارشگری تعیین می شود. برای مثال، زمانی که مبلغ قابل پرداخت با تغییرات یک شاخص تغییر می کند، مبلغ قابل افشا ممکن است مبتنی بر سطح آن شاخص در پایان دوره باشد.

ب ۱۰. بند ۲۹(ب) واحد تجاری را ملزم می کند نحوه مدیریت ریسک نقدینگی مربوط به اقلام قابل افشا در افشاهای کمی الزامی طبق بند ۲۹(الف) را توضیح دهد. در صورتی که اطلاعات تجزیه سررسید داراییهای مالی نگهداری شده برای مدیریت ریسک نقدینگی (برای مثال، داراییهای مالی که به آسانی قابل فروش است یا انتظار می رود جریانهای نقدی ورودی برای تأمین جریانهای نقدی خروجی مربوط به بدهیهای مالی ایجاد کند)، به استفاده کنندگان صورتهای مالی در ارزیابی ماهیت و میزان ریسک نقدینگی کمک کند، واحد تجاری باید این اطلاعات را افشا نماید.

ب ۱۱. سایر عواملی که واحد تجاری ممکن است در خصوص افشاهای الزامی طبق بند ۲۹(ب) مدنظر قرار دهد شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نمی شود. آیا واحد تجاری:

- الف. برای تأمین نیازهای نقدینگی می تواند به تسهیلات اعتباری تعهدشده (مانند تسهیلات اسناد تجاری) یا سایر خطوط اعتباری (مانند تسهیلات اعتباری با مقاصد خاص) دسترسی داشته باشد؛
- ب. برای تأمین نیازهای نقدینگی، سپرده هایی را نزد بانکهای مرکزی نگهداری می کند؛
- پ. منابع نقدینگی بسیار متنوعی دارد؛
- ت. تمرکز زیاد ریسک نقدینگی در داراییها یا منابع نقدینگی خود دارد؛
- ث. برای مدیریت ریسک نقدینگی، فرایندهای کنترل داخلی و طرحهای اضطراری دارد؛
- ج. ابزارهایی دارد که دربردارنده شرایط بازپرداخت سریع باشد (برای مثال در زمان کاهش رتبه اعتباری واحد تجاری)؛
- چ. ابزارهایی دارد که بتواند انتقال وثیقه را الزامی کند (برای مثال، تقاضای سپرده بابت ابزارهای مشتقه)؛
- ح. ابزارهایی دارد که به آن واحد اجازه دهد بین تسویه بدهیهای مالی از طریق تحویل نقد (یا دارایی مالی دیگر) یا از طریق تحویل سهام خود، انتخاب کند؛
- خ. ابزارهایی دارد که مشمول توافقهایی خالص سازی جامع شود.

ریسک بازار - تحلیل حساسیت (بندهای ۳۰ و ۳۱)

ب ۱۲. بند ۳۰(الف)، تحلیل حساسیت را برای هر یک از انواع ریسکهای بازار که واحد تجاری در معرض آن قرار دارد، الزامی می کند. واحد تجاری درباره چگونگی جمعیت اطلاعات برای ارائه تصویر کلی، اطلاعات برخوردار از ویژگیهای متفاوت درباره آسیب پذیری از ریسکهای ناشی از محیطهای اقتصادی بسیار متفاوت را ترکیب نمی کند. برای مثال:

- الف. واحد تجاری که ابزارهای مالی را معامله می کند، ممکن است این اطلاعات را برای ابزارهای مالی نگهداری شده برای مبادله و ابزارهای مالی که برای مبادله نگهداری نشده اند، بطور جداگانه افشا نماید.
- ب. واحد تجاری، آسیب پذیری از ریسکهای بازار ناشی از حوزه های با تورم حاد را با آسیب پذیری خود از همان ریسکهای بازار در حوزه های با تورم بسیار اندک، جمعیت نمی کند.

اگر واحد تجاری تنها در معرض یک نوع ریسک بازار در یک محیط اقتصادی قرار گیرد، اطلاعات را به صورت تفکیک شده نشان نمی دهد.

ب ۱۳. بند ۳۰(الف)، تحلیل حساسیت را برای نشان دادن تأثیر تغییرات محتمل و معقول متغیر ریسک مربوط (مانند نرخهای سود رایج در بازار، نرخهای ارز، قیمت ابزارهای مالکانه یا قیمت کالاها) بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه الزامی می‌کند. به همین منظور:

الف. واحدهای تجاری ملزم به تعیین سود یا زیان دوره با فرض متفاوت بودن متغیرهای ریسک مربوط، نیستند. در مقابل، واحدهای تجاری با این فرض که تغییر محتمل و معقول در متغیر ریسک مربوط در پایان دوره گزارشگری اتفاق افتاده و بر میزان آسیب‌پذیری از ریسک موجود در آن تاریخ اثر گذاشته است، اثر آن را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه در پایان دوره گزارشگری افشا می‌کنند. برای مثال، اگر واحد تجاری در پایان سال بدهی با نرخ شناور داشته باشد، اثر آن بر سود یا زیان (یعنی هزینه مالی) سال جاری را با این فرض که نرخهای سود با مبالغ محتمل و معقول تغییر می‌کند، افشا می‌نماید.

ب. واحدهای تجاری ملزم نیستند که اثر هر تغییر در متغیر ریسک مربوط، که در دامنه تغییرات محتمل و معقول است، را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا کنند. افشای آثار تغییرات در محدوده دامنه محتمل و معقول، کافی است.

ب ۱۴. برای تعیین اینکه کدام تغییرات، تغییر محتمل و معقول در متغیر ریسک مربوط تلقی می‌شود، واحد تجاری باید موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. محیطهای اقتصادی که در آن فعالیت می‌کند. تغییر محتمل و معقول، نباید شامل وضعیتهای بعید یا "بدترین مورد" یا "آزمونهای تنش" باشد. افزون بر این، اگر نرخ تغییر در متغیر ریسک مربوط، ثابت باشد، ضرورتی ندارد واحد تجاری در تغییر محتمل و معقول متغیر ریسک انتخابی، تغییر ایجاد کند. برای مثال، فرض کنید که نرخ سود ۵ درصد است و واحد تجاری نوسان محتمل و معقول نرخ سود را ± 0.5 واحد مبنا تعیین کرده است. در صورت تغییر نرخ سود به $4/5$ درصد یا $5/5$ درصد، واحد تجاری اثر این تغییر را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا می‌کند. در دوره بعد، نرخهای سود به $5/5$ درصد افزایش می‌یابد. واحد تجاری همچنان بر این باور است که نوسان نرخ سود ± 0.5 واحد مبنا است (یعنی نرخ تغییر در نرخ سود ثابت است). واحد تجاری در صورت تغییر نرخ سود به ۵ درصد یا ۶ درصد، اثر این تغییر را بر سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه افشا می‌کند. واحد تجاری ملزم نیست که در ارزیابی خود از نوسان محتمل و معقول ± 0.5 درصدی در نرخهای سود، تجدیدنظر به عمل آورد، مگر اینکه شواهدی وجود داشته باشد که نشان دهد نرخ سود به میزان قابل ملاحظه‌ای نوسان‌پذیرتر شده است.

ب. چارچوب زمانی که ارزیابی در آن انجام می‌شود. تحلیل حساسیت باید آثار تغییراتی که در آن دوره محتمل و معقول به نظر می‌رسد را تا زمانی که واحد تجاری این تغییرات را در آینده افشا می‌کند، که معمولاً دوره گزارشگری سالانه بعدی است، نشان دهد.

ب ۱۵. طبق بند ۳۱، در صورتی که واحد تجاری از تحلیل حساسیت برای مدیریت آسیب‌پذیری از ریسکهای مالی استفاده کند، مجاز است از نوعی تحلیل حساسیت، مانند روش ارزش در معرض ریسک، که وابستگی متقابل بین متغیرهای ریسک را انعکاس می‌دهد، استفاده کند. این کار حتی در صورتی که روش مزبور تنها احتمال زیان را اندازه‌گیری نماید و احتمال سود را اندازه‌گیری نکند، کاربرد دارد. این واحد تجاری ممکن است به منظور انطباق با بند ۳۱(الف)، نوع مدل ارزش در معرض ریسک مورد استفاده (برای مثال، اینکه مدل مورد استفاده، وابسته به شبیه‌سازی مونت کارلو است یا خیر)، تشریح نحوه کاربرد مدل و مفروضات اصلی آن (مانند دوره نگهداری و سطح اطمینان) را افشا کند. همچنین، واحدهای تجاری می‌توانند دوره تاریخی مشاهده و وزنهای اختصاص داده‌شده به مشاهدات آن دوره، تشریح نحوه برخورد با گزینه‌های انتخابی در محاسبات و نوع نوسانها و همبستگیهای مورد استفاده (یا به عنوان راهکار جایگزین، شبیه‌سازی توزیع احتمال مونت کارلو) را افشا کنند.

ب ۱۶. واحد تجاری باید تحلیل حساسیت را برای کل فعالیتهای تجاری خود ارائه نماید، اما ممکن است انواع متفاوتی از تحلیل حساسیت را برای طبقات مختلف ابزارهای مالی ارائه کند.

ریسک نرخ سود

ب ۱۷. **ریسک نرخ سود**، ناشی از ابزارهای مالی دارای نرخ سود است که در صورت وضعیت مالی شناسایی شده‌اند (مانند وامها و دریافتی‌ها و ابزارهای بدهی منتشرشده) و نیز ناشی از برخی ابزارهای مالی است که در صورت وضعیت مالی شناسایی نشده‌اند (مانند برخی تعهدات وام).

ریسک واحد پول

ب ۱۸. **ریسک واحد پول** (یا ریسک مبادله ارز) ناشی از ابزارهای مالی است که برحسب ارز، یعنی واحد پولی غیر از واحد پول عملیاتی بیان می‌شوند. این استاندارد، ریسک واحد پول ابزارهای مالی غیرپولی یا ابزارهای مالی که برحسب واحد پول عملیاتی بیان می‌شوند را شامل نمی‌شود.

ب ۱۹. برای هر واحد پولی که واحد تجاری به میزان قابل ملاحظه‌ای در معرض ریسک آن قرار می‌گیرد، تحلیل حساسیت افشا می‌شود.

ریسک سایر قیمت‌ها

ب ۲۰. **ریسک سایر قیمت‌ها** به علت تغییر در مواردی مانند قیمت کالاها یا قیمت ابزارهای مالکانه، در ارتباط با ابزارهای مالی ایجاد می‌شود. واحد تجاری به منظور انطباق با بند ۳۰، ممکن است اثر کاهش در شاخص بازار سهام، قیمت کالا یا متغیر دیگر ریسک را افشا کند. برای مثال، اگر واحد تجاری بابت ارزش باقیمانده داراییها، تضمینهایی ارائه نماید که خود، ابزار مالی باشند، هرگونه افزایش یا کاهش در ارزش داراییهای تضمین شده افشا می‌شود.

ب ۲۱. دو نمونه از ابزارهای مالی که منجر به ریسک قیمت ابزارهای مالکانه می‌شود، عبارتند از (الف) در اختیار داشتن ابزارهای مالکانه واحد تجاری دیگر و (ب) سرمایه‌گذاری در صندوقی که اقدام به نگهداری سرمایه‌گذاری در ابزارهای مالکانه می‌کند. مثالهای دیگر شامل پیمانهای آتی و اختیارهای خرید یا فروش تعداد مشخصی از یک نوع ابزار مالکانه و سوابهای وابسته به قیمت حقوق مالکانه است. ارزش منصفانه چنین ابزارهای مالی، تحت تأثیر تغییرات در قیمت بازار ابزارهای مالکانه پایه است.

ب ۲۲. طبق بند ۳۰ (الف)، حساسیت سود یا زیان دوره، جدا از حساسیت حقوق مالکانه افشا می‌شود.

ب ۲۳. ابزارهای مالی که واحد تجاری آنها را به عنوان ابزارهای مالکانه طبقه‌بندی می‌کند، تجدید اندازه‌گیری نمی‌شوند. سود یا زیان دوره و حقوق مالکانه، هیچ یک تحت تأثیر ریسک قیمت آن ابزارها قرار نمی‌گیرد. بر این اساس، نیازی به انجام تحلیل حساسیت نمی‌باشد.

قطع شناخت (بندهای ۳۵ تا ۴۰)**مشارکت مستمر (بند ۳۵)**

ب ۲۴. برای مقاصد الزامات افشای مندرج در بندهای ۳۷ تا ۴۰، ارزیابی مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال یافته، در سطح واحد گزارشگر صورت می‌گیرد. برای مثال، اگر واحد تجاری فرعی، دارایی مالی را که واحد تجاری اصلی مشارکت مستمر در آن دارد، به شخص ثالث غیروابسته انتقال دهد، واحد تجاری فرعی، مشارکت مستمر واحد تجاری اصلی را در ارزیابی اینکه مشارکت مستمر در دارایی انتقال یافته دارد یا خیر، در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد خود مد نظر قرار نمی‌دهد (یعنی زمانی که واحد تجاری فرعی واحد گزارشگر باشد). با وجود این، واحد تجاری اصلی، مشارکت مستمر خود (یا مشارکت مستمر عضو دیگری از گروه) در دارایی مالی انتقال یافته توسط واحد تجاری فرعی را، برای تعیین اینکه در دارایی انتقال یافته، مشارکت مستمر دارد یا خیر، در صورتهای مالی تلفیقی مد نظر قرار می‌دهد (یعنی زمانی که واحد گزارشگر، گروه است).

ب ۲۵. در صورتی که، به عنوان بخشی از انتقال، واحد تجاری هیچ گونه حقوق یا تعهدات قراردادی مرتبط با دارایی مالی انتقال یافته را حفظ نکند و هیچ گونه حقوق یا تعهدات قراردادی جدیدی در ارتباط با دارایی مالی انتقال یافته به دست نیاورد، واحد تجاری مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال یافته ندارد. در صورتی که واحد تجاری هیچ گونه منافعی در عملکرد آتی دارایی مالی انتقال یافته نداشته باشد و تحت هیچ شرایطی، در آینده مسئولیتی برای پرداخت در ارتباط با دارایی مالی انتقال یافته نداشته باشد، واحد تجاری مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال یافته ندارد. اصطلاح "پرداخت" در این متن، شامل جریانهای نقدی دارایی مالی انتقال یافته که واحد تجاری وصول می‌کند و ملزم است آن را به انتقال گیرنده پرداخت نماید، نمی‌باشد.

ب ۲۶. هنگامی که واحد تجاری یک دارایی مالی را انتقال می‌دهد، ممکن است حق ارائه خدمت به آن دارایی مالی را در ازای دریافت کارمزدی که برای مثال در یک قرارداد خدماتی درج می‌شود، حفظ کند. واحد تجاری، برای مقاصد الزامات افشا قرارداد خدماتی را طبق رهنمود مندرج در بندهای ۳۵ و ۲۵ ارزیابی می‌کند تا تعیین نماید که در نتیجه این قرارداد خدماتی مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال یافته دارد یا خیر. برای مثال، در صورتی که کارمزد ارائه خدمت، وابسته به مبلغ یا زمانبندی جریانهای نقدی وصول شده از دارایی مالی انتقال یافته باشد، ارائه دهنده خدمت برای مقاصد الزامات افشا، همچنان مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال یافته دارد. همچنین، در صورتی که به دلیل عدم ایفای تعهد دارایی مالی انتقال یافته، کارمزد ثابت بطور کامل پرداخت نشود، ارائه دهنده خدمت، برای مقاصد الزامات افشا از مشارکت مستمر برخوردار است. در این مثالها، ارائه دهنده خدمت در عملکرد آتی دارایی مالی انتقال یافته، منفعی دارد. این ارزیابی، مستقل از این است که آیا انتظار می‌رود کارمزدی که قرار است دریافت شود، به میزان کافی خدمات را جبران کند یا خیر.

ب ۲۷. مشارکت مستمر در دارایی مالی انتقال یافته، ممکن است از شرایط قراردادی مندرج در توافق انتقال یا توافق جداگانه با انتقال گیرنده یا شخص ثالثی که در ارتباط با انتقال ورود کرده است، ناشی شود.

داراییهای مالی انتقال یافته‌ای که بطور کامل قطع شناخت نشده‌اند (بند ۳۶)

ب ۲۸. طبق بند ۳۶، در صورتی که تمام یا بخشی از داراییهای مالی انتقال یافته، واجد شرایط قطع شناخت نشوند، برخی موارد افشا الزامی می‌شود. این افشا، صرف نظر از زمان انتقال، در هر تاریخ گزارشگری که واحد تجاری همچنان به شناخت داراییهای مالی انتقال یافته ادامه می‌دهد، الزامی است.

انواع مشارکت مستمر (بندهای ۳۷ تا ۴۰)

ب ۲۹. طبق بندهای ۳۷ تا ۴۰، افشاهای کمی و کیفی برای هر نوع مشارکت مستمر در داراییهای مالی قطع شناخت شده، الزامی است. واحد تجاری باید مشارکت مستمر خود را در انواع مشارکتهایی تجمیع کند که بیانگر آسیب پذیری واحد تجاری از ریسکها باشد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است مشارکت مستمر خود را بر اساس نوع ابزار مالی (مانند تضمینها یا اختیارهای خرید) یا بر اساس نوع انتقال (مانند فروش دریافتنیها، به وثیقه گذاشتن اوراق بهادار یا قرض دادن اوراق بهادار) تجمیع کند.

تجزیه و تحلیل سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل نشده برای بازخرید داراییهای انتقال یافته (بند ۳۷(ث))

ب ۳۰. طبق بند ۳۷(ث)، واحد تجاری باید تجزیه و تحلیل سررسید جریانهای نقدی خروجی تنزیل نشده به منظور بازخرید داراییهای مالی قطع شناخت شده یا سایر مبالغ قابل پرداخت به انتقال گیرنده در ارتباط با داراییهای مالی انتقال یافته را افشا کند و سررسیدهای قراردادی باقیمانده مربوط به مشارکت مستمر واحد تجاری را نشان دهد. این تجزیه و تحلیل، بین جریانهای نقدی که الزاماً باید پرداخت شود (مانند پیمانهای آتی)، جریانهای نقدی که ممکن است واحد تجاری ملزم به پرداخت شود (مانند اختیارهای فروش صادر شده) و جریانهای نقدی که واحد تجاری ممکن است پرداخت آنها را انتخاب نماید (مانند اختیارهای خرید خریداری شده)، تمایز قائل می‌شود.

ب ۳۱. واحد تجاری برای تعیین تعداد بازه‌های زمانی مناسب به منظور تجزیه سررسید طبق بند ۳۷(ث)، باید از قضاوت خود استفاده کند. برای مثال، ممکن است واحد تجاری بازه‌های زمانی زیر را مناسب تشخیص دهد:

- الف. کمتر از یک ماه؛
- ب. بین یک ماه تا سه ماه؛
- پ. بین سه ماه تا شش ماه؛
- ت. بین شش ماه تا یک سال؛
- ث. بین یک سال تا سه سال؛
- ج. بین سه سال تا پنج سال؛
- چ. بیش از پنج سال.

ب ۳۲. در صورتی که دامنه‌ای از سررسیدهای محتمل وجود داشته باشد، جریانهای نقدی بر مبنای نزدیکترین تاریخی در نظر گرفته می‌شود که واحد تجاری ملزم یا مجاز به پرداخت است.

اطلاعات کیفی (بند ۳۷ ج)

ب ۳۳. اطلاعات کیفی الزامی طبق بند ۳۷ ج، شرحی از داراییهای مالی قطع شناخت شده و ماهیت و هدف مشارکت مستمر حفظ شده پس از انتقال داراییها را شامل می‌شود. این اطلاعات، تشریح ریسکهایی از جمله موارد زیر است که واحد تجاری در معرض آن قرار می‌گیرد:

- الف. تشریح نحوه مدیریت ریسک مرتبط با مشارکت مستمر در داراییهای مالی قطع شناخت شده.
- ب. اینکه واحد تجاری ملزم به تحمل زیانها قبل از طرفهای مقابل است یا خیر، و رتبه‌بندی و مبلغ زیانهای تحمل شده توسط طرفهایی که منافع آنها در رتبه پایستری نسبت به منافع واحد تجاری در دارایی قرار می‌گیرد (یعنی مشارکت مستمر آن در دارایی).
- پ. تشریح هرگونه عامل مرتبط با تعهد به ارائه پشتیبانی مالی یا تعهد به بازخرید دارایی مالی انتقال یافته.

سود یا زیان قطع شناخت (بند ۳۹ الف)

ب ۳۴. طبق بند ۳۹ الف، واحد تجاری باید سود یا زیان قطع شناخت داراییهای مالی که واحد تجاری در آنها مشارکت مستمر دارد را افشا کند. در صورتی که سود یا زیان قطع شناخت، به دلیل تفاوت بین ارزش منصفانه اجزای دارایی شناسایی شده در گذشته (یعنی منافع در دارایی قطع شناخت شده و منافع حفظ شده توسط واحد تجاری) و ارزش منصفانه کل دارایی شناسایی شده در گذشته ایجاد شود، واحد تجاری باید این موضوع را افشا کند. در چنین شرایطی، واحد تجاری همچنین باید افشا کند که آیا اندازه‌گیری ارزش منصفانه، شامل داده‌های ورودی بااهمیت مبتنی بر داده‌های غیرقابل مشاهده در بازار می‌باشد یا خیر.

اطلاعات تکمیلی (بند ۴۰)

ب ۳۵. افشاهای الزامی طبق بندهای ۳۶ تا ۳۹، ممکن است برای دستیابی به اهداف افشای مندرج در بند ۳۴ کافی نباشد. در این گونه موارد، واحد تجاری باید هرگونه اطلاعات اضافی که برای دستیابی به اهداف افشا ضروری می‌باشد را افشا کند. واحد تجاری باید با توجه به شرایط خود تصمیم بگیرد که چه میزان اطلاعات اضافی برای تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان لازم است و تا چه میزان باید بر ابعاد مختلف اطلاعات اضافی تأکید کند. ایجاد توازن بین صورتهای مالی حاوی جزئیات بسیار زیاد که ممکن است به استفاده کنندگان صورتهای مالی کمک نکند و پنهان کردن اطلاعات در نتیجه تجمیع بیش از اندازه آن، ضروری است.

تهاتر داراییهای مالی و بدهیهای مالی (بندهای ۷ تا ۱۲)

دامنه کاربرد (بند ۷)

ب ۳۶. موارد افشای مندرج در بندهای ۸ تا ۱۱، برای تمام ابزارهای مالی شناسایی شده که طبق بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ تهاتر می‌شوند، الزامی است. افزون بر این، در صورتی که ابزارهای مالی، مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال یا توافق مشابهی باشند که ابزارها و معاملات مالی مشابه را دربرمی‌گیرد، صرف نظر از اینکه ابزارهای مالی طبق بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ تهاتر شوند یا خیر، آن ابزارهای مالی در دامنه الزامات افشای مندرج در بندهای ۸ تا ۱۱ قرار می‌گیرند.

ب ۳۷. توافقهایی مشابه که در بندهای ۷ و ۳۶ به آنها اشاره شده است، شامل موافقت‌نامه‌های پایاپای مشتقه، موافقت‌نامه‌های بازخرید جامع جهانی، موافقت‌نامه‌های جامع قرض دادن اوراق بهادار در سطح جهانی و هرگونه حقوق نسبت به وثیقه مالی است. ابزارها و معاملات مالی مشابه که در بند ۳۶ به آنها اشاره شد شامل ابزارهای مشتقه، موافقت‌نامه‌های فروش و بازخرید، موافقت‌نامه‌های فروش و بازخرید معکوس، قرض گرفتن اوراق بهادار، و موافقت‌نامه‌های قرض دادن اوراق بهادار است. نمونه‌هایی از ابزارهای مالی که در دامنه کاربرد بند ۷ قرار نمی‌گیرد، شامل وامها و سپرده‌های مشتریان در یک مؤسسه (مگر اینکه در صورت وضعیت مالی تهاتر شوند)، و ابزارهای مالی که تنها، موضوع موافقت‌نامه وثیقه هستند، می‌باشد.

افشای اطلاعات کیفی برای داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده در دامنه کاربرد بند ۷ (بند ۹)

ب ۳۸. ابزارهای مالی که طبق بند ۹ افشا می شوند، ممکن است مشمول الزامات اندازه گیری متفاوتی باشند (برای مثال، مبلغ پرداختنی مربوط به یک موافقت نامه باز خرید ممکن است به بهای مستهلک شده اندازه گیری شود، در حالی که ابزار مشتقه به ارزش منصفانه اندازه گیری می شود). واحد تجاری باید ابزارها را به مبلغ شناسایی شده افشا کند و هر گونه تفاوت حاصل از اندازه گیری را در افشاهای مربوط توضیح دهد.

افشای مبالغ ناخالص داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده در دامنه کاربرد بند ۷ (بند ۹ الف))

ب ۳۹. مبالغ مورد درخواست بند ۹ الف)، در ارتباط با ابزارهای مالی شناسایی شده ای است که طبق بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ تهاثر می شوند. همچنین، این مبالغ، مربوط به ابزارهای مالی شناسایی شده ای است که، صرف نظر از احراز معیارهای تهاثر، مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال یا توافقهایی مشابه می باشند. با وجود این، افشاهای الزامی طبق بند ۹ الف) با مبالغ شناسایی شده در نتیجه موافقت نامه های وثیقه که معیارهای تهاثر مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز نمی کنند، ارتباطی ندارد. در مقابل، این مبالغ باید طبق بند ۹ ت) افشا شود.

افشای مبالغی که طبق معیارهای مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶، تهاثر می شوند (بند ۹ ب))

ب ۴۰. طبق بند ۹ ب)، واحدهای تجاری هنگام تعیین مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعیت مالی، باید مبالغ تهاثر شده طبق بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را افشا کنند. مبالغ داراییهای مالی شناسایی شده و بدهیهای مالی شناسایی شده که طبق توافق یکسانی مشمول تهاثر هستند، هم جزء موارد افشای دارایی مالی و هم جزء موارد افشای بدهی مالی، افشا خواهند شد. با وجود این، مبالغ افشاشده (برای مثال، در یک جدول) محدود به مبالغی است که مشمول تهاثر می شوند. برای مثال، واحد تجاری ممکن است دارایی مشتقه شناسایی شده و بدهی مشتقه شناسایی شده ای داشته باشد که معیارهای تهاثر مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز می کنند. در صورتی که مبلغ ناخالص دارایی مشتقه بزرگتر از مبلغ ناخالص بدهی مشتقه باشد، جدول افشای دارایی مالی، شامل مبلغ کل دارایی مشتقه (طبق بند ۹ الف)) و مبلغ کل بدهی مشتقه (طبق بند ۹ ب)) خواهد بود. با وجود این، در حالی که جدول افشای بدهی مالی دربرگیرنده مبلغ کل بدهی مشتقه خواهد بود (طبق بند ۹ الف)، تنها مبلغی از دارایی مشتقه در این جدول نشان داده خواهد شد (طبق بند ۹ ب)) که با مبلغ بدهی مشتقه برابر باشد.

افشای مبالغ خالص قابل ارائه در صورت وضعیت مالی (بند ۹ پ))

ب ۴۱. در صورتی که واحد تجاری ابزارهایی داشته باشد که در دامنه کاربرد این موارد افشا (الزامی طبق بند ۷) قرار گیرند، اما معیارهای تهاثر مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز نکنند، مبالغی که طبق بند ۹ پ) باید توسط واحد تجاری افشا شود با مبالغی که واحد تجاری طبق بند ۹ الف) ملزم به افشای آن است، برابر می باشد.

ب ۴۲. مبالغی که طبق بند ۹ پ) افشای آنها الزامی است، باید با مبالغ اقلام اصلی ارائه شده در صورت وضعیت مالی تطبیق داده شود. برای مثال، در صورتی که واحد تجاری تشخیص دهد تجمیع یا عدم تجمیع مبالغ اقلام اصلی یک صورت مالی، اطلاعات مربوط تری فراهم می کند، باید مبالغ تجمیعی یا تجمیع نشده قابل افشا در بند ۹ پ) را با مبالغ اقلام اصلی ارائه شده در صورت وضعیت مالی، تطبیق دهد.

افشای مبالغ مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال یا توافق مشابه، که به طریقی دیگر در بند ۹ ب) منظور نمی شوند (بند ۹ ت))

ب ۴۳. طبق بند ۹ ت)، واحدهای تجاری باید مبالغی را که مشمول توافق خالص سازی جامع قابل اعمال یا توافقی مشابه می باشند، اما به طریقی دیگر مشمول بند ۹ ب) نمی شوند، را افشا کنند. بند ۹ ت) (۱)، به مبالغ مربوط به ابزارهای مالی شناسایی شده ای اشاره می کند که تمام یا برخی از معیارهای تهاثر مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز نمی کنند (برای مثال، حقوق فعلی تهاثر که معیار تهاثر اشاره شده در بند ۴۴ ب) استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز نمی کند، یا حقوق مشروط تهاثر که تنها در صورت نکول، یا تنها در صورت عدم توانایی در بازپرداخت بدهیها یا ورشکستگی هر یک از طرفین، قابل اجرا و قابل اعمال است).

ب ۴۴. بند ۹(ت)(۲)، به مبالغی اشاره می‌کند که مربوط به وثیقه مالی، شامل وثیقه نقدی دریافت شده و به رهن گذاشته شده، است. واحد تجاری باید ارزش منصفانه ابزارهای مالی که به عنوان وثیقه به رهن گذاشته شده‌اند یا دریافت شده‌اند را افشا کند. مبالغ قابل افشا طبق بند ۹(ت)(۲)، باید با وثیقه واقعی دریافت شده یا به رهن گذاشته شده، و نه با پرداختنی‌ها یا دریافتنی‌های شناسایی شده برای برگشت یا دریافت این وثیقه، در ارتباط باشد.

محدودیت‌های مربوط به مبالغ افشاشده در بند ۹(ت) (بند ۱۰)

ب ۴۵. هنگام افشای مبالغ طبق بند ۹(ت)، واحد تجاری باید آثار وثیقه گذاشتن بیش از حد نیاز توسط ابزار مالی را در نظر بگیرد. برای این منظور، واحد تجاری باید در ابتدا مبلغ قابل افشا طبق بند ۹(ت)(۱) را از مبلغ قابل افشا طبق بند ۹(پ) کسر نماید. سپس، واحد تجاری باید مبلغ قابل افشا طبق بند ۹(ت)(۲) را به مبلغ باقیمانده در بند ۹(پ) برای ابزارهای مالی مربوط محدود سازد. با وجود این، در صورتی که حقوق نسبت به وثیقه، از طریق ابزارهای مالی قابل اعمال باشد، چنین حقوقی می‌تواند در افشاهای ارائه شده طبق بند ۱۰ منظور شود.

تشریح حقوق تهاثر مشمول توافقاتی خالص‌سازی جامع قابل اعمال و توافقاتی مشابه (بند ۱۱)

ب ۴۶. واحد تجاری باید انواع حقوق تهاثر و توافقاتی مشابه افشاشده طبق بند ۹(ت)، شامل ماهیت این حقوق، را توصیف کند. برای مثال، واحد تجاری باید حقوق مشروط خود را تشریح نماید. برای ابزارهای مشمول حقوق تهاثر که مشروط به رویدادهای آتی نیستند اما سایر معیارهای باقیمانده مندرج در بند ۴۴ استاندارد حسابداری ۳۶ را احراز نمی‌کنند، واحد تجاری باید دلیل (دلایل) عدم احراز آن معیارها را بیان کند. برای هر وثیقه مالی دریافت شده یا به رهن گذاشته شده، واحد تجاری باید شرایط موافقت‌نامه وثیقه را توصیف کند (برای مثال، زمانی که وثیقه محدود می‌شود).

افشا برحسب نوع ابزار مالی یا برحسب طرف مقابل

ب ۴۷. افشاهای کمی الزامی طبق بند ۹(الف) تا (ث)، ممکن است برحسب نوع ابزار مالی یا معامله گروه‌بندی شود (برای مثال، ابزارهای مشتقه، موافقت‌نامه‌های بازخرید و بازخرید معکوس یا موافقت‌نامه‌های قرض گرفتن اوراق بهادار یا قرض دادن اوراق بهادار).

ب ۴۸. به عنوان راهکار جایگزین، واحد تجاری می‌تواند افشاهای کمی الزامی طبق بند ۹(الف) تا (پ) را برحسب نوع ابزار مالی، و افشاهای کمی الزامی طبق بند ۹(پ) تا (ث) را برحسب طرف مقابل گروه‌بندی کند. در صورتی که واحد تجاری اطلاعات الزامی را برحسب طرف مقابل ارائه کند، ملزم به مشخص نمودن طرف مقابل برحسب نام نیست. اما، طبقه‌بندی طرفهای مقابل (طرف الف، طرف ب، طرف پ، غیره) برای حفظ قابلیت مقایسه در سالهای ارائه شده، باید در سالهای مختلف یکنواخت باشد. موارد افشای کیفی باید به گونه‌ای در نظر گرفته شود که بتوان اطلاعات بیشتری درباره انواع طرفهای مقابل ارائه داد. زمانی که افشای مبالغ مندرج در بند ۹(پ) تا (ث) برحسب طرف مقابل ارائه می‌شود، مبالغی که به تنهایی نسبت به کل مبلغ طرف مقابل حائز اهمیت است، باید جداگانه افشا شود و مبالغ باقیمانده طرف مقابل که به تنهایی با اهمیت نمی‌باشد، باید با یکدیگر به عنوان یک قلم اصلی افشا شوند.

سایر

ب ۴۹. موارد افشای خاصی که طبق بندهای ۹ تا ۱۱ الزامی است، حداقل الزامات هستند. برای دستیابی به هدف بند ۸، واحد تجاری با توجه به شرایط توافقاتی خالص‌سازی جامع قابل اعمال و توافقاتی مربوط، شامل ماهیت حقوق تهاثر و آثار بالفعل یا بالقوه آنها بر وضعیت مالی واحد تجاری، ممکن است نیاز به تکمیل آنها با افشاهای بیشتر (کیفی) داشته باشد.

